

فارسی نهم

درس هفتم:

پرتو امید

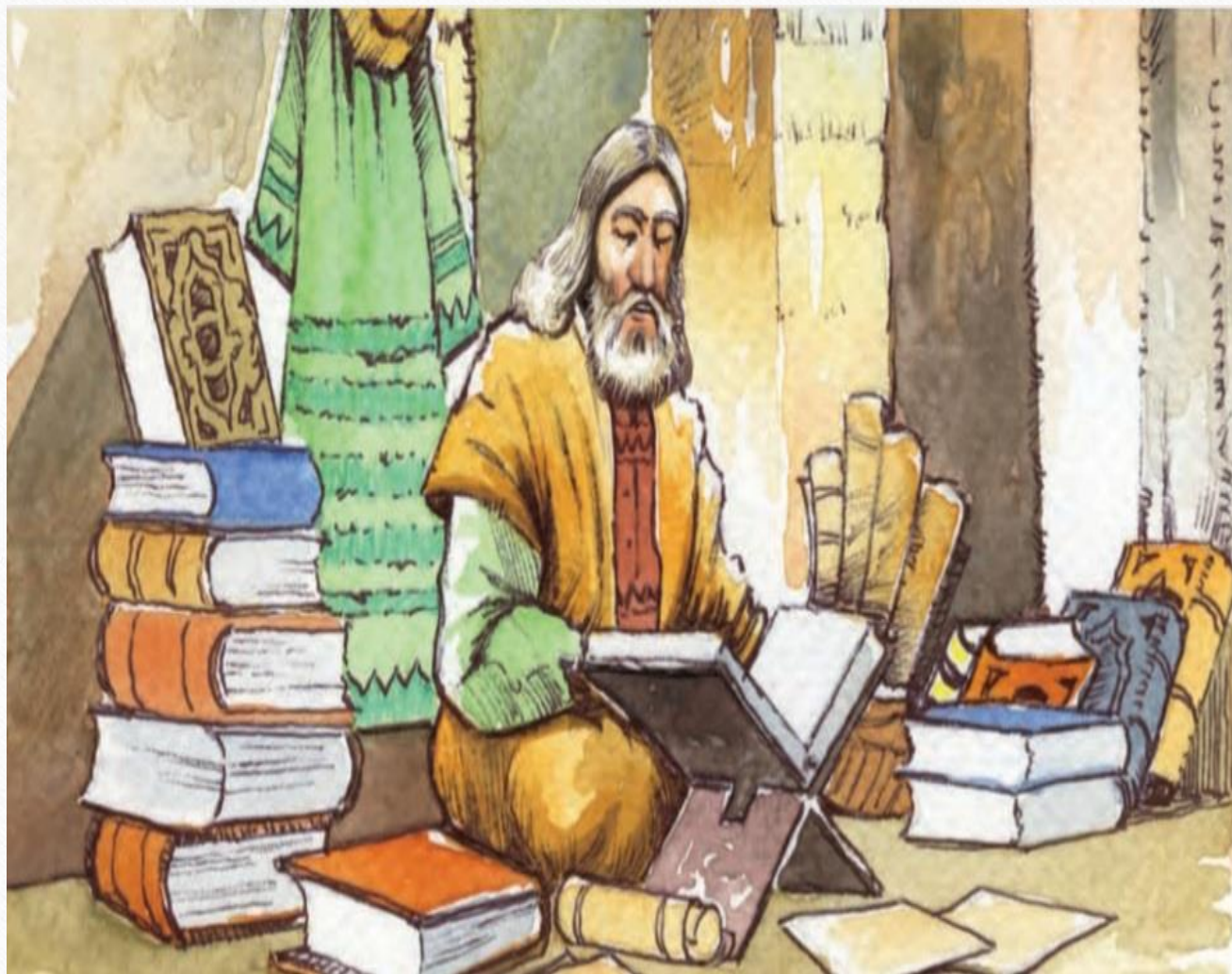
بخش نخست (ص ۵۴):

* * *

قلمرو زبانی: نامه: کتاب / حکیم: دانشمند / فرزانه: دانا، اندیشمند / عواطف: ج عاطفه / ژرف: عمیق / مشخصه: ویژگی / پدیدار: آشکار / طنز: نوعی نوشته که به ظاهر خواننده را می‌خنداند، ولی در پس تبسم به برخی از مسایل فرهنگی، اجتماعی و سیاسی توجه می‌کند / ظریف: باریک / طعن: سرزنش / لعن: نفرین / هجو: سرزنش کردن به وسیله شعر، سرزنش / رهنمود: راهنمایی

قلمرو ادبی: تناسب (حکیم - فرزانه / طعن - لعن - هجو)

قلمرو فکری: این بند به معرفی حافظ و اندیشه‌های دیوان وی می‌پردازد.



بخش دوم

غزلی از حافظ

دیوان حافظ



بر اساس نسخه دستنویس غنی
بنت‌ای
سایه خانم بی بی تاجری خلیلی و جلالی تاجری
پهتنام
چهارمکیه منصور

حافظ شکیات از غم هجران چه می‌کنی
در هجر وصل باشد و در خلوت است نور

یوسف گم گشته باز آید به کفان غم مخور
این دل غمدیده حالم بشود دل بکن
کربهار عسر باشد باز بر تخت چمن
دور کردن کرد روزی بر مردمان رفت
مان شو نوید چون واقف نی از سر غمب
ای دل اریل فنا بنسیا هستی بر کند
در میان کربشوق کسب خوابی زد قدم
گر چه منزل بس خطرناک است مقصد بس سعید
حال مادر فرقت جانان و ابرام رقیب
کلبه اخزان شود روزی گلستان غم مخور
دین سر شوریده باز آید به سامان غم مخور
چتر گل در سر کشتی ای مرغ خوشخوان غم مخور
دایم ایامیکان نباشد حال دوران غم مخور
باشد اندر پرده بازی مای پنهان غم مخور
چون تو را نوح است کشتبان ز طوفان غم مخور
سرزنش هاگر کند خار نیلان غم مخور
بیخ را بی نیست کان را نیست پایان غم مخور
جمله می داند خدای حال کردان غم مخور

حافظ در کج فقر و خلوت شب مای تار

تا بود در دست دعا و درس قرآن غم مخور

نصیحتی گنفت بشنو و بهمانه بگیر
ز وصل روی جوانان تمشعی بردار
هر آنچه ناصح شفیق بگویدت پذیر
که در کینکه عمر است سحر عالم پیر

قالب شعری: غزل

سراینده: حافظ شیرازی

* * *

واژه‌های قافیه:

کنعان، گلستان، سامان، دوران، پنهان، توفان، مگیلان، پایان، قرآن

واژه ردیف:

«غم مخور» در همه بیت‌ها

بیت ۱: یوسف گم‌گشته بازآید به کنعان غم‌مخور کلبهٔ احزان شود روزی گلستان غم‌مخور

قلمرو زبانی: کنعان: سرزمینی که یعقوب و فرزندان در آن سکونت داشتند / احزان: چ حزن، اندوه
یوسف گم‌گشته: نهاد، ترکیب وصفی / بازآید: مضارع اخباری (بازمی‌آید) / گلستان: مسند

قلمرو ادبی: تلمیح (کل بیت) / تناسب (یوسف - کنعان) / تشبیه (کلبهٔ احزان)
کنایه (مصراع دوم: پایان یافتن غم‌ها)

قلمرو فکری: نگران نباش، یوسف گم‌شده به کنعان برمی‌گردد و خانهٔ غم و اندوه روزی به
گلزار شادی بدل می‌شود.

بیت ۲: ای دل غم‌دیده حالت بهُ شود دل بد مکن وین سر شوریده باز آید به سامان غم مخور

قلمرو زبانی: بهُ: بهتر / وین: و این / شوریده: آشفته، پریشان
بهُ: مسند / سر شوریده: نهاد، ترکیب وصفی / این جمله دارای پنج جمله است.

قلمرو ادبی: تشخیص (ای دل) / تناسب (دل - سر) کنایه (دل بد مکن: نگران نباش)

قلمرو فکری: ای دل اندوهگین، حالت بهتر می‌شود نگران نباش؛ زیرا ذهن پریشان و
آشفته‌ات دوباره آرام خواهد شد.

بیت ۳: دور گردون گر دو روزی بر مراد ما نرفت دائماً یکسان نباشد حال دوران غم مخور

* * *

قلمرو زبانی: گردون: روزگار / مراد: میل و خواسته / دائماً: همیشه / دوران: روزگار
حال: نهاد / دوران: مضاف‌الیه / یکسان: مسند / دائماً: قید / این بیت دارای سه جمله است.

* * *

قلمرو ادبی: واج‌آرایی (د) / کنایه (دو روز: زمان کوتاه) / ضرب‌المثل (مصراع دوم)

* * *

قلمرو فکری: اگر گردش روزگار، مدت زمان کوتاهی مطابق میل و خواسته ما پیش نرفت،
ناراحت نباش؛ زیرا روزگار، همیشه به یک حالت نمی‌ماند.

* * *

بیت ۴: هان مشو نومید چون واقف نه‌ای از سرّ غیب باشد اندر پرده بازی‌های پنهان غم مخور

قلمرو زبانی: هان: آگاه باش / نومید: ناامید / واقف: آگاه / سر: راز / اندر: در

هان: شبه جمله / نومید: مسند / واقف: مسند / باشد: فعل غیراسنادی / پرده: متمم / بازی: نهاد

قلمرو ادبی: مراعات نظیر (سرّ غیب - بازی‌های پنهان - پرده) / کنایه (باشد اندر پرده:

مخفی بودن)

قلمرو فکری: آگاه باش و ناامید نشو؛ زیرا از رازهای پنهان آگاه نیستی، در خزانه اسرار

الاهی سرنوشتی برایمان نوشته شده که ما از آن خبر نداریم.

بیت ۵: ای دل ار سیل فنا بنیاد هستی برگند چون تو را نوح است کشتیبان ز توفان غم مخور

قلمرو زبانی: از: مخفف اگر / بنیاد: پایه، اساس / را: گسست اضافه

نوح کشتیبان تو است؛ کشتیبان: مسند / تو: مضاف‌الیه / این بیت دارای چهار جمله است.

قلمرو ادبی: ای دل (تشخیص) / تشبیه (سیل فنا) / تضاد (فنا - هستی) / تلمیح (داستان توفان نوح) / کنایه (بنیاد هستی برکندن: نیست و نابود کردن) / واج‌آرایی (س - ت) / مراعات نظیر (سیل - توفان - کشتیبان - نوح)

قلمرو فکری: ای دل، اگر فنا و نابودی مانند سیل، پایه‌های هستی را از میان ببرد، تا زمانی که نوح کشتیبان توست، از توفان حوادث، ترس و هراسی به دل را نده و نگران نباش.

بیت ۶: در بیابان گر به شوق کعبه خواهی زد قدم سرزنش‌ها گر کند خار مگیلان غم مخور

قلمرو زبانی: شوق: شور و اشتیاق / مگیلان: نوعی خار

این بیت دارای سه جمله است / خار: نهاد / مگیلان: مضاف‌الیه / سرزنش: مفعول

قلمرو ادبی: تناسب (بیابان - خار مگیلان) / تشخیص (سرزنش کردن خار مگیلان)

قلمرو فکری: اگر به شوق رسیدن خانه خدا می‌خواهی بیابان‌ها را بپیمایی، چنان‌چه خارهای بیابان (دشواری مسیر) پای تو را آزار دهد، غمگین نباش؛ زیرا سرانجام به کعبه (مقصود) خواهی رسید.

بیت ۷: گرچه منزل بس خطرناک است و مقصد بس بعید هیچ راهی نیست کان را نیست پایان غم مخور

قلمرو زبانی: منزل: هدف، مقصد / بس: بسیار / کان: که آن

این بیت دارای پنج جمله است / خطرناک: مسند / بعید: مسند / راه: نهاد / را: مالکیت

قلمرو ادبی: مراعات نظیر (منزل - مقصد - راه - پایان) / کنایه (هیچ راهی نیست کان را

نیست پایان: تمام شدن سختی‌ها و مشکلات) / تمثیل (کل بیت)

قلمرو فکری: اگرچه هدف و مقصد بسیار خطرناک و دور است، ناراحت نباش؛ زیرا هر

راهی پایانی دارد.

بیت ۸: حافظا در کنج فقر و خلوت شب‌های تار تا بود وردت دعا و درس قرآن، غم مخور

قلمرو زبانی: کنج: گوشه / خلوت: تنهایی / تار: تاریک / ورد: ذکر و دعای زیر لب

حافظ: منادا / تار: صفت بیانی / ورد: نهاد / دعا: مسند / بیت سه جمله دارد.

قلمرو ادبی: مراعات نظیر (ورد - دعا - درس قرآن) / تخلص (کل بیت)

قلمرو فکری: ای حافظ، تا هنگامی که در گوشه فقر و تنهایی شب‌های تاریک، همدم و

همراهی مانند قرآن و دعا داشته باشی، ناراحت نباش؛ زیرا این دو تو را از خطرها

می‌رهانند.

دانش ادبی؛ تخلص

معمولاً شاعران در پایان شعر، نام شعری خود را می‌آورند. به این نام، «تخلص» می‌گویند. تخلص به معنای رهایی یافتن و خلاص شدن است. گویی شاعر با سرودن بیت تخلص از بند سخن آزاد می‌شود. تخلص مانند امضا و نشان است که در پایان شعر می‌آید.

* * *

نام اصلی حافظ، «شمس‌الدین محمد»،

و نام اصلی شهریار، «محمدحسین بهجت تبریزی» بوده است.

امروزه شاعران کمتر از تخلص بهره می‌گیرند.

واژه‌شناسی: محقق (کوتاه شده)

گاهی یک واژه ممکن است دو شکل نوشتاری داشته باشد؛
مانند واژه «اگر» که معمولاً به دو شکل «گر» و «ار» در شعر به کار می‌رود.

* * *

در بیابان **گر** به شوق کعبه خواهی زد قدم ...
ای دل **ار** سیل فنا بنیاد هستی بر کند ...

* * *

تاریخ

ادبیات

ردیف	شاعر / نویسنده	قرن / سال	اثر / آثار	ویژگی / اهمیت
۱	حافظ شیرازی	قرن هشتم هـ.ق	دیوان (شامل غزل، مثنوی، قصیده و رباعی)	معروف به لسان‌الغیب و متخلص به حافظ بزرگ‌ترین غزل‌سرای ایران
۲	بهاء‌الدین خرمشاهی	زاده ۱۳۲۴	حافظنامه	قرآن‌پژوه، حافظ‌شناس، در تدوین دایره‌المعارف تشیع همکاری می‌کند.